

## احتساب - منبع اصلی امبودسمن

«احتساب» یا «جسبه» یعنی وظیفه محتسب در حقوق اسلام یک صلاحیت عمومی خاص به خودش حساب میشود. این دو کلمه سینونیم «مترادف» به معنی طلب کردن و استرداد حقوق کسی با به کار بردن تدابیر مؤثر برای انجام بهتر امور است. اداره احتساب در دول اسلامی در سراسر کشور دارای شعبات و نماینده های خاص بوده و اجرا کننده این وظیفه «محتسب» نامیده شده است.

محتسب، به صفت بازدارنده مردم از کار های منع شده، و تطبیق قوانین شریعت در شهر ها گشت و گزار نموده، در کوچه و بازار از چگونه گی شرایط سنیتز (حفظ الصحه) رعایت قواعد مربوط به زنده گی عامه و عموماً به هدف جلوگیری از صدور جرایم، امور نظارت را به پیش برده است.

امروز عموماً در کشور های غربی و بعضاً شرقی انستیتوت «امبودسمن» که همانند اداره احتساب است موجود بوده، در جهت رعایت حقوق بشر و به صفت وسیله حمایت کننده آنها در بیشتر از (۸۵) کشور جهان ایجاد شده است.

پارلمان سویدن در سال ۱۸۰۹ بعد از اینکه نخستین امبودسمن را ایجاد نمود کشور های دیگر هم از آن تقلید کردند.

خوب، آیا هدف از تشکیل این انستیتوت توسط دولت سویدن یک ابتکار جدید بود، یا که او ریشه تاریخی دارد؟ درین مورد ابراز نظر نموده ارتباط ریشه های تاریخی امبودسمن را به منابع اسلامی توضیح میدهیم. همینگونه اداره حسبه در اسلام را با انستیتوت امبودسمن مقایسه نموده، و در مورد جهات اشتراک و اختلاف شان معلومات میدهیم.

دین گوتیریر مشاور پروگرامهای انکشافی سازمان ملل متحد در امور امبودسمن، رئیس سابق امبودسمن ایالت الاسکا و انجمن امبودسمن های ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۹۹ در اکادمی وزارت داخله اوزبیکستان طی بیانیه خود در باره تجربه جهانی اش در مورد انستیتوت امبودسمن ذیلاً ابراز نظر نموده بود:

«یکی از ریشه های تاریخی امبودسمن از قرآنکریم و قاعده عدالت به صفت بخشی از مفکوره اسلام نشئت میکند. از طرف حضرت عمر برای اخذ شکایات و حل منازعات مقام محتسب تشکیل شده بود».

چارلز (کارل) ۱۲ پادشاه سویدن بعد از شکست از روسیه به ترکیه می آید و مدتی در آنجا میماند و بعد از رسیدن به سویدن در سال ۱۷۱۸ در آنجا امبودسمن عالی را تأسیس میکند. نماینده های بعضی مکاتب این مسئله را تحت تأثیر رهبر عدلیه ترک که بنام «قاضی القضاة» مشهور است می شمارند. مبارزات میان پارلمان و پادشاهان سویدن به خاطر حاکمیت در سال ۱۸۰۹ سبب تصویب قانون اساسی گردید. در آن وقت پارلمان مقام امبودسمن را جاری کرده است.<sup>۱</sup>

به نظر مؤلف مقاله اضافه کرده میتوانیم که، احتساب در ادامه سده ها در حدود کشور های اسلامی بخصوص دولت غزنویها و امپراطوری عثمانی عملاً موجود بوده است. اگرچه تعیین محتسب اساساً صلاحیت رهبر دولت بوده، اما بعضاً از طرف قاضی القضاة (رهبری که وظایف مربوط به محکمه عالی و عدلیه را انجام میداد) تعیین میشد و با داشتن استقلال کاری تحت نظارت قرار میداد. از همین سبب ممکن است پادشاه سویدن مستقیماً با گرفتن انگیزه از منصب محتسبی، او را در کشور خود جاری کرده باشد.

در اوایل سده هفتم در دولت اسلامی اساس احتساب گذاشته شده است. اداره احتساب وظیفه امبودسمن کنونی را به پیمانۀ وسیعتر انجام داده است. امروز در بعضی از کشور های اسلامی امبودسمن را بنام «محتسب» یاد میکنند. از همین سبب لازم است در مورد اداره احتساب که اساس انستیتوت امبودسمن زمان کنونی را تشکیل داده آشنا شویم.

<sup>۱</sup>. دین گوتیریر، در مورد امبودسمن، مجله «دموکراتیزه و حقوق انسان»، تاشکینت، سال ۱۹۹۹، شماره ۱، ص ۲۷، ۲۸.

اگرچه وظیفه «احتساب» در کشور های مختلف اسلامی، مطابق عرف و عادت، شرایط، طرز زنده گی اسلوبهای گوناگون هر کشور انجام شده، نسبت اینکه هدف اساسی آن «امر به معروف و نهی از منکر» (دعوت به کار های نیک، و ممانعت از کار های بد) بوده، تفاوت های سیاسی و جغرافی هدف اصلی آن را تغییر داده نتوانسته است. چونکه منبع آن منابع اساسی حقوق اسلام بوده است.

به نظر عبدالحی حبیبی، در کشور های اسلامی وظیفه «احتساب» با وظیفه «محکمه» همسان بوده است. حاکمیت قضا، بین قاضی، محتسب و قاضی «مظالم» مشترک بوده است. یعنی اگر قاضی منازعات را با اتکا به قانون حل کند، محتسب قاعده و ترتیب مربوط به حیات مردم را تحت نظارت قرار داده، از وقوع جرم جلوگیری کرده است. قاضی مظالم در موقف «استیناف» و «تمیز» کنونی قرار داشته، شکایت اهالی را در مورد قاضی، محتسب و دیگران استماع نموده است.<sup>۲</sup> بعضاً یک شخص هم وظیفه قاضی و هم محتسب را انجام داده است.<sup>۳</sup>

بر اساس معلومات مؤلف کتاب «تاریخ سیاسی اسلام» خلیفه دوم حضرت عمر اولین بار وظیفه «احتساب» را اساس نهاده است. ایشان ساریانی را نسبت اینکه بالای شتر اضافه از حد بار نموده بود محکوم به مجازات نموده، عملاً وظیفه «محتسب» را انجام داده است. اما استعمال اصطلاح «محتسب» در دوره عباسیها آغاز شده است.<sup>۴</sup>

در نظام حقوق اسلام محتسب بر علاوه وظایف اجتماعی و دینی در مرحله اول در بعضی کشور ها مثلاً، در افریقای شمالی و اندلوسیه دارای حقوق انجام بعضی وظایف مربوط به محکمه نیز بوده است، آیات قرآنکریم، احادیث و اجماع علما منبع حقوقی آن به شمار می رود.

دانشمند قاموسی ابن خلدون در اثرش بنام «المقدمه» در مورد این موضوع چنین مینگارد:

«برای رهبری جماعه مسلمین در دایره قاعده (دعوت به خوبیها و منع از بدی ها) وظیفه احتساب هم یک مکلفیت دینی حساب شده است. لازم است او برای انجام وظیفه با انتخاب اشخاص لایق وظیفه اش را به آنها بسپارد. محتسب در شهر ها اهالی را به رعایت منافع مردم، مثلاً، جلوگیری از بندش راه ها و بار نکردن از حد زیاد به حیوانات بارکش و کشتی های کوچک دعوت کرده است. برای تخریب دیوار ها و بنا های غیر ضروری و در حال انهدام هدایت داده است. نظارت از قواعد مصونیت بنا ها، برداشتن موانع خطرناک و مضر از راه ها و مجازات معلمانیکه اطفال را لت و کوب میکنند را به عهده داشته است. در آن زمان اگرچه این وظایف اساساً مربوط قاضی بوده، لیکن نسبت ازدیاد مصروفیت های قاضی این وظیفه به محتسب سپرده شده است. و او (محتسب) کارمند مقام قضا بوده است»<sup>۵</sup>.

به نظر ابن تیمیه، برای وظایف محتسب از طرف شریعت حدود معین تعیین نشده است، بلکه نسبت متفاوت بودن شرایط زنده گی یک شهر با شهر دیگر وظایفی را که او انجام میدهد بر اساس عرف - عادت معین گردیده است. به نظر دانشمند، مسئله «احتساب» از جهت نظری نماینده دولت و از وظایف او در برابر ملت حساب شده است.

ابن تیمیه در اطراف دایره نورم حقوقی «احتساب» سخن رانده، در مورد تضمین قواعد اجرایی آن بحث نموده، بر ضرورت مجازات کسانیکه نظم و قواعد زنده گی را مراعات نمیکنند تأکید کرده است.<sup>۶</sup> وظایف محتسب اساساً عبارت از این ها بوده است:

- تشویق و ترغیب مردم به راستی، امانتداری و اجتناب از کار های ناروا، در نماز های جمعه و اجتماعات عام.
- نظارت از نانوا ها، آشپز ها، خیاطان و بافنده گان که طعام و لباس تهیه میکنند.
- جلوگیری از خرید و فروش مواد خام، انواع اجناس و تمام اموال مصرفی که قبل از رسیدن به بازار توسط جلابان صورت میگیرد، (در غیر آن مردم به خصوص دهاقین و مردم دهات بی خیر از نرخ بازار ممکن است اجناس شانرا به قیمت ارزان فروخته زیاد خساره مند شوند).
- جلوگیری از «احتکار» یعنی جمع آوری مواد غذایی از بازار و ذخیره کردن آن، بعد از بلند بردن نرخ آن به شکل صناعی، به هدف عرضه نمودن آن به قیمت بلند به بازار.
- حمایت از فروشنده و مشتری، یعنی صاحب مال جنس بی کیفیت خود را به بازار عرضه نموده یا جنس خود را به قیمت بلند تر از حد به فروش رسانیده دست به تقلب بزند، و جلوگیری از تأدیة پول تقلبی توسط مشتری.

۲. ع. حبیبی، افغانستان بعد از اسلام، ص ۵۴۳.

۳. الماوردی، الاحکام السلطانیة، ص ۶۱.

۴. حسن ابراهیم حسن، تاریخ الاسلامی السیاسی، سال ۱۹۹۱، ص ۳۸۰.

۵. ابن خلدون، المقدمه، جلد ۳، ص ۲۰۱.

۶. ابن تیمیه، الجسیه فی الاسلام (احتساب در دین اسلام)، قاهره، سال ۱۹۳۵، ص ۱۸-۱۹.

- تخریب نکردن راه ها، پل ها، پاک نگهداشتن جوی ها، حوض ها، تأمین نظافت مکاتب و مدرسه ها، رعایت قواعد حفظ الصحة حمام ها.
- نظارت از خوراکه حیوانات، بار کردن اضافه تر از حد بالای حیوانات بارکش و کشتی های کوچک، جلوگیری از حرکت کشتی های کوچک هنگام وزش باد تند.
- جلوگیری از فسق - فساد، قمار، فحاشی، خرید و فروش و استعمال مواد مخدر، و کار های خلاف اخلاق و عادات.
- جلوگیری از برخورد تحقیر آمیز و نادرست با اهالی دهاتی که به شهر و بازار می آیند.
- رعایت نظافت در شهر ها، کوچه ها و خیابانها.
- حمایت از حقوق و آزادی های اتباع غیر مسلمان کشور های اسلامی.
- جلوگیری از قطع اشجار جنگلات، درختان شهر ها، خیابانها، کنار جویها که ملکیت عامه است به منظور حفظ محیط زیست.
- جلوگیری از فعالیت کوره های خشت پزی، کارخانه های صابون سازی و چرمگری در داخل شهر بمنظور تأمین پاکی و صفایی شهر ها و محلات.
- تعیین جای مناسب برای کشتارگاه (مسلخ) به قصابان خارج از محل بود و باش اهالی.
- جلوگیری از مصارف بیجا و بدعت در مراسم عروسی و عزاداری، همیگونه نظارت از نوحه گران (زنان نوحه گر) در مراسم تعزیه داری.
- جلوگیری از دعا خوانان فریبکار و اغواگران.

وظایفی را که قبلاً توسط محتسب انجام میشد، در حال حاضر حاکم شهر، بلدیة (شاروال)، پولیس، سارنوال، وزارت اقتصاد، وزارت صنایع، ادارات حفظ صحت و محیط زیست، و سایر ادارات دولتی انجام میدهند.<sup>۷</sup> حقوقشناسان اسلام در مورد اداره احتساب یکتعداد کتب نوشته اند، در کتب مذکور منبع صلاحیت، جریان کار، حدود صلاحیت، آزادی، مسئولیت، قواعد مجازات متخلفین و مسائل مربوط به آن را توضیح نموده اند. از جمله کتبی که درین مورد نوشته شده میتوان از کتاب «نهایة الرتبة فی طلب الحسبه» ابن بسّام، کتاب «موالی القرية فی احکام الحسبه» ابن اخوه، کتاب «نهایة الرتبة فی طلب الحسبه» عبدالرحمن بن نصر شیرازی، کتاب «الاحکام السلطانیة» الماوردی و ابن یعلی، برخی ابواب کتاب «احیاءالعلوم» غزالی نام برد. مثلاً، کتاب «نهایة الرتبة فی طلب الحسبه» اثر عبدالرحمن بن نصر بن عبدالله (و. ۵۸۹هـ/۱۱۹۳م) وظیفه محتسب را در ساحات مختلف نهایت دقیق و دلچسپ توضیح نموده است. درینجا تعدادی از آنها را به طور مختصر ذکر میکنیم:

- لازم است محتسب دفتر ثبت داشته باشد. درین دفتر نام تمام خبازان و دکانداران و محل فعالیت شان درج میشود. چونکه آنها هنگام ضرورت دعوت شده در مورد پاکی ظروف، طشت و اشیای مورد استفاده شان هدایت داده میشود.
- خباز نباید خمیر را توسط پای، زانو یا آرنج خود مخلوط کند، چونکه چنین عمل بی احترامی نسبت به طعام بوده، در عین حال امکان ریختن عرق بدن او در خمیر وجود دارد. هنگام پختن خمیر لباس مخصوص پوشیده، دهن و بینی خود را بپوشاند.
- به خاطر جلوگیری از ریختن عرق، پیشانی اشرا با تکه ای بسته، و برای جلوگیری از داخل شدن موی دست به خمیر موی دستانش را بپوشاند.
- محتسب برای خباز اجازه ندهد تا با استفاده از مواد مضر به صحت به خاطر وجاهت نان استفاده کند.<sup>۸</sup> نظر به اظهار ابن تیمیه، اگر محتسب وظیفه خود را انجام ندهد گنهگار میشود. در صورت تکرار اگر به شکایت تکراری توجه نکند، بر اساس قانون اسلام صلاحیت خود را از دست داده، عدل و مروت او از بین میرود و به سبب بی اعتبار شدنش شرعاً محتسب حساب نمیشود.<sup>۹</sup>
- محتسب در دولتهای کشور های اسلامی به خصوص در دولتهای غزنویان و تیموریان وظایف سپرده شده اشرا ذیلاً انجام داده است:
- نخست، کسانیکه در ساحة عبادت و معاملات مرتکب اشتباه شده اند آنانرا از احکام شریعت آگاه ساخته است.
- دوم، کسیرا که آگاهانه دست به کار ناروا زده، نصیحت نموده او را متوجه ترس از خدا نموده و به بیداری وجدانش کوشیده است.

<sup>۷</sup> دکتر احمدالخصری، نظام های اقتصادی، سیاسی و مالیوی در فقه اسلام، بیروت، سال 1986، ص ۴۰۱-۴۱۹.

<sup>۸</sup> عبدالرحمن بن نصر، نهایة الرتبة فی طلب الحسبه، قاهره، سال 1941، ص ۱۱۴-۱۱۶.

<sup>۹</sup> ابن تیمیه، الحسبه فی الاسلام، قاهره، ص ۵۰.

سوم، اگر شخص بدکار با نصیحت و گفتار نیک راه راست را انتخاب نکند، او را با کلمات سخت و زشت ملامت کرده است.<sup>۱۰</sup>

چهارم، عملاً به تغییر وضعیت کوشیده است. مثلاً، ریختن شراب به زمین و شکستادن ظروف آن، گرفتن قمچین از دست متجاوز بالای کسی، همینگونه بیرون راندن متجاوز از ملکیت کسی.

پنجم، تا حد ممکن ترسانیدن متجاوز با تهدید، به طور مثال، چنین خطاب میکند: «اگر حد خود را شناسی، مجبور خواهم بود که با تو چگونه معامله کنم».

ششم، نظر به ضرورت عدم بکار بردن سلاح و استفاده از جزا های تعزیری مثلاً حبس.

هفتم، در صورت ازدیاد بدکاران و بوجود آمدن وضعیت خطرناک حق استفاده از سلاح و همکاری خود را دارد.

محتسب بر ضد کسانی که قواعد و ترتیب مربوط به حقوق انسان و منافع عامه را رعایت نمیکنند فعالیت نموده، اما به مسائل حقوق شخصی و خانوادگی مداخله نداشته است. نظر به گفتار شاعر مشهور سعدی شیرازی: «محتسب را درون خانه چه کار». اما اگر تجاوز در ساحة حقوق شخصی رخ بدهد، محتسب فقط نظر به تقاضای متضرر مداخله کرده است. در چنین احوال شکایت صاحب حق به محتسب بجای عریضه سپرده شده به محکمه قرار داشت. در آن حال بررسی مسئله توسط محتسب و یا بر اساس اعتراف متجاوز پیشبرد دقیق کار لازم بوده است. در صورتیکه صدور و یا عدم صدور تجاوز دقیق نشده باشد، به مسئله مداخله نکرده است. چون نسبت اینکه او صلاحیت استماع شهادت شاهدان و قسم دادن و صدور حکم را نداشته است، یعنی وظیفه قاضی را انجام داده نتوانسته است.<sup>۱۱</sup>

سلطان محمود غزنوی، صاحبقران امیر تیمور و اولاده آنان بر اساس اعتقاد زیاد شان به شریعت اسلام به گروه فقیهان به دیده نهایت حرمت و احترام نگریسته، در امور دولت از آنان استفاده کرده اند. فقیهان کار محکمه را در امور سلطنت مستقلانه به پیش برده، استقلالیت محکمه را عملاً به اثبات رسانیده اند.

به گواهی منابع تاریخی سلطان محمود و پسران او، به خصوص اولاده امیر تیمور از جمله سلطان حسین بایقرا و بابر شخصاً از قوانین شریعت اطاعت نموده، حتی در رابطه به دعاوی که بر علیه آنان اقامه شده به حضور قاضی رفته، با مدعی در جریان محکمه اشتراک کرده اند.

در کشور های اسلامی به خصوص در تاریخ دولتمداری تورکان، محتسب بیشتر دارای لیاقت و اقتدار زیاد بوده، و صلاحیت تطبیق جزا های تعزیری (جزا هاییکه برای تأدیب و تربیه داده میشود) را داشته است. مثلاً، نظر به نوشته خواجه نظام الملک در «سیاستنامه» محتسب شهر غزنه یکی از امرای سلطان را نسبت عدول از قانون شریعت مجازات کرده است. سلطان این حادثه را عادی و قانونی پنداشته، شکایت امیر را نشنیده است.

همینگونه اداره احتساب در دوره غزنویان و تیموریان وسیعاً انکشاف یافته، از طریق نماینده های با صلاحیت خود به تربیه انسانها پرداخته، رعایت نظم و قواعد زنده گی، جلوگیری از وقوع جرایم و حمایت از منافع مردم و حقوق انسان را بر عهده داشته است.

جهات مشترک میان انستیتوت امبودسمن کنونی و اداره احتساب ذیلاً در نظر گرفته میشود:

- محتسب تجاوزاتیرا که با چشم سر می بیند جلوگیری میکند، در صورت موجودیت اسناد معتبر و اقرار متهم حق مدعی را مسترد میکند، اما مسائل مربوط به محکمه مثلاً، صلاحیت استماع شهادت شاهدان، قسم دادن و صدور فیصله را ندارد. اینگونه دعاوی را به محکمه می فرستد.
- امبودسمن هم مسائل مربوط به محکمه را بررسی نمیکند.<sup>۱۲</sup>
- امبودسمن هم مانند محتسب وظایف خود را مستقل و بدون تابعیت از کارکنان دولتی و ارگانهای دولتی انجام میدهد.<sup>۱۳</sup>
- انستیتوت امبودسمن در ارتقای آگاهی اجتماعی در ساحة حقوق انسان اتباع را کمک میکند.<sup>۱۴</sup>
- محتسب در مساجد جامع و محل تجمع مردم وعظ نموده، در مورد حلال و حرام یعنی کار های قانونی و غیرقانونی توضیحات ارائه میکند.
- هردو در مورد پاکی و ایکولوژی یعنی حفاظت طبیعت کوشش میکنند.
- هردو از حقوق انسان حمایت میکنند.

از ایجاد نخستین امبودسمن نزدیک به (۲۰۰) سال سپری میشود. طی این مدت انواع مختلف آن بوجود آمده و مهمترین نوع آن امبودسمن کلاسیک است که از طرف پارلمان تعیین و امبودسمن تصنیف شده است.

۱۰. دکتر احمد الحُصری، نظام های اقتصادی، سیاسی و مالیی در حقوق اسلام، بیروت، سال ۱۹۸۶، ص ۴۱۸.

۱۱. همانجا، ص ۴۱۹.

۱۲. ماده ۹، پراگراف دهم قانون جمهوری اوزبیکستان در مورد نماینده (امبودسمن) مجلس عالی در مورد حقوق انسان.

۱۳. ماده دوم همان قانون.

۱۴. ماده اول همان قانون.

به نوشته دین گوئییر، بعضی امبودسمن ها از طرف حاکمیت ارگانهای قانونگذار نه، بلکه توسط حاکمیت اجرایی تعیین میشوند. در امریکا، ادارات سایر دولتها و کارپوریشن های خصوصی شان بمنظور حل منازعات مختلف امبودسمن ها را ایجاد میکنند، لیکن آنان مانند امبودسمن های (کلاسیک) دارای صلاحیت عمومی و امتیازات نیستند. امبودسمن های دیگر فقط شکایات مربوط به تخطی از حقوق بشر را قبول و بررسی میکنند. بعضی از آنها شکایات مربوط به شفاخانه ها، مراکز صحتی، محابس یا مراکز تربیت اطفال، بعضی از آنها متضررین جرایم، مریضان روحی، اشخاصیکه به پرابلمهای مالیوی دچار شده اند، ادارات حفاظت از طبیعت و سایر شکایات را بررسی میکنند.

در کشور های مختلف مدت صلاحیت امبودسمن پنج سال، لیکن مدت صلاحیت بعضی امبودسمن ها بیشتر از ده سال است. در اوزبیکستان نظر به ماده (۳) قانون امبودسمن، امبودسمن از بین وکلای مجلس عالی از طرف این مجلس مطابق به مدت کار مجلس عالی انتخاب میشود.

امبودسمن در مجلس عالی جمهوری اوزبیکستان به ابتکار نخستین رئیس جمهور اسلام کریموف ایجاد گردید. رئیس جمهور در بیانیه اش بتاريخ ۲۹ اگست سال ۱۹۹۶ در مراسم افتتاح ششمین جلسه مجلس عالی چنین گفته بود:

«لازم است تا مقام و موقعیت ساختار حقوق پرور اجتماعی انستیتوت نماینده مجلس عالی در مورد حقوق بشر ارتقا داده شود. انستیتوت امبودسمن موجود حامی حقوق بشر در ساحه حقوق بشر، انستیتوت فکری جامعه، انستیتوت ناظر اسناد قانون در عمل، ضرورت انکشاف نظام های مرکز ملی حقوق بشر همینگونه ایجاد انستیتوت ها. در یک کلام ضرورت ایجاد میکانیزم های جدید رهبری نظارت رعایت حقوق و آزادی های انسان مساعد شده است.»

به نظر امبودسمن امریکایی امبودسمن انستیتوت ضعیف حساب میشود. موجودیت آن جلوگیری حکومت از نقض حقوق بشر و مبارزه با سایر موارد مربوط است. علت ضعف امبودسمن درین است که، ارگانهای دولتی و کارمندان دولتی دارای حقوق اوامر الزامی نیستند. اگر به حقوق امبودسمن هنگام نظارت از نقض حقوق اوامر الزامی اضافه میگردید، امبودسمن نسبت به سایر ادارات و کارمندان دولتی دارای حاکمیت بیشتر میبود. قدرت این مؤسسه با تأثیر آن در فعالیت های حکومت مقایسه میشود.

لازم به تذکر است که در کشور های اسلامی محتسب درین ساحه دارای صلاحیت زیاد بوده است. بدین ترتیب در حال حاضر انستیتوت امبودسمن به مقیاس جهانی به صفت مؤسسه معتبر به هدف رعایت حقوق بشر و حمایت از آزادی فعالیت نموده، در همکاری با مؤسسه ملل متحد و سازمانهای بین المللی کار میکند. لیکن جای تاسف است که درین اواخر در برخی از کشورهای اسلامی وظیفه احتساب به سبب تحریف ماهیت اصلی انساندوستانه آن به یک وسیله آزار و اذیت مردم و منبع سوء استفاده تبدیل شده است. درین مورد یک شعر انتقادی شاعر معروف پروین اعتصامی را ذکر میکنیم:

#### مست و محتسب

محتسب، مستی به ره دید و گریانش گرفت  
مست گفت ای دوست، این پیراهن است، افسار نیست

گفت: مستی، زان سبب افتان و خیزان میروی  
گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست

گفت: میباید تو را تا خانه قاضی برم  
گفت: رو صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست

گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم  
گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست

گفت: تا داروغه را گوئیم، در مسجد بخواب  
گفت: مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست

گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان  
گفت: کار شرع، کار درهم و دینار نیست

گفت: از بهر غرامت، جامهات بیرون کنم  
گفت: پوشیده است، جز نقشی ز بود و تار نیست

گفت: آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه  
گفت: در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست

گفت: می بسیار خوردی، زان چنین بیخود شدی  
گفت: ای بیهوده‌گو، حرف کم و بسیار نیست

گفت: باید حد زند هشیار مردم، مست را  
گفت: هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست